

اول ماه مه ۸۷ در کردستان، نگاهی به نقاط قوت و ضعف

اسد گلچینی

کارگران در مراسمهای روز کارگر اعلام کردند که سرمایه داران و رژیم فاشیست اسلامیش، شرایط بسیار دشواری را برای آنها و مردم ستم دیده فراهم کرده است، اعلام کردند که تسلیم خواست آنها نمیشوند و خاموشی و یا انتظار و تردید را، نسخه دیگری از همین سناریوی سیاه میدانند که بر آنها میروند و آنها نمیپذیرند.

امسال برگزاری اول ماه مه در شهرهای کردستان در شرایط دشوارتری برگزار شد. هدف رژیم این بود که مانع برگزاری مراسم های اول ماه مه، روز جهانی کارگر بشود.

در کردستان سنت مراسم های علنی و مستقل کارگران ریشه دار است و موفق شدند

ص ۲

مراسم هایشان را برگزار کنند.



در هفته حکمت با افکار و سیاست های منصور حکمت آشنا شوید!

منصور حکمت را به جامعه معرفی کنید!

گومه له و میزگرد شش حزب و سازمان کردستانی

(جوابی کوتاه به آقای کاوان عمر سلامی)

حسین مراد بیگی (حمه سور)

برای اطلاع خواننده این مقاله لازم میدانم که توضیح کوتاهی بدهم. من در مورد میزگرد شش حزب و سازمان کردستانی که مدتی قبل توسط روزنامه "ناسو" ترتیب یافته بود مقاله کوتاهی به زبان کردی نوشتم که در سایت "بو روزه هه لانت" چاپ شد.

آقای کاوان عمر سلامی که برگزار کننده این سمینار بود، جوابی به من داده بود و از من این سوال را کرده بود که، مگر مارکسیسم مشوق جدل سیاسی ص ۴

امنیت و حفاظت از خود در مقابل رژیم

فصل اول- امنیت در چت و ای میل صفحه ۵

مطالب دیگر:

- به کمپین دفاع از شیث امانی بپیوندید
- کمپین عفو بین الملل برای آزادی فرزاد حاج میرزایی
- علیه گرانی، علیه فلاکت- تراکت

ص ۷ و ۸

دو هفته یک بار
منتشر می شود

اکتبر ۱

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۱ خرداد ۱۳۸۷ - ۲۱ مه ۲۰۰۸

سردبیر: رضا دانش rz.danesh@gmail.com

www.oktoberr.org

یادداشت سردبیر

کمیته کردستان حزب حکمتیست تصمیم به انتشار مجدد نشریه اکتبر گرفته و در راستای سیاستهای قبلی خود مبارزه همه جانبه با سیاستهای ضدانسانی سرمایه داری و رژیم اسلامیش، مبارزه با ارتجاع و فاشیسم اسلامی، نقد ناسیونالیسم و قوم پرستی، نقد افشای چپ سنتی، انعکاس مبارزات و اعتراضات کارگران، زنان و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، انعکاس فعالیتهای کمیته کردستان حزب، تبلیغ افق، سیاستها و مواضع حزب، گارد آزادی، بحث امنیت در تشکیلات مخفی و... محور و اساس کار اکتبر در دوره جدید است. تلاش این نشریه بر سازمان دادن کلیه فعالین و مبارزین سوسیالیست و کمونیست برای مبارزه در جهت ایجاد یک دنیای بهتری باشد.

از این به بعد هر پانزده روز یک شماره از اکتبر را با تغییراتی نسبت به سابق منتشر خواهیم کرد.

نشریه ای با فرمت ساده بدون عکس و تصویرکه داوطلب کردن آن برای خوانندگان با توجه به سرعت کم اینترنت با وزن کمتر بر راحتی امکان پذیر باشد. ما خواهان مشارکت فعال شما در انتشار اکتبر هستیم.

این نشریه را از آن خود بدانید و برای پربار کردن آن مقالات و نوشته ها و نظرات و انتقادات خود را برای ما بفرستید.

دبیر کمیته کردستان: اسد گلچینی
agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان:
اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

Www.hekmatist.com

Www.oktoberr.org

Www.partowtv.com

→ رژیم در تهران میدانست که محبوب و خانه کارگریهای مزدورش تا جاییکه بتوانند امسال را با سکوت برگزار خواهند کرد. چون محبوب به آرزویش رسید و نماینده رژیم در مجلس شد. از يك طرف دستگیری و سرکوب و از طرف دیگر بر پای مراسم دولتی راه حل اینها بود. با این وجود فضای اول ماه مه در شهرهای کردستان باز هم متفاوت بود و مراسم ها و تجمع ها هر چند کوچک و بعضا در کوه و دشت، اما انعکاسی از اعتراض عمیق و ناراضی کارگران و فعالین اول ماه مه بود. نگاهی به این روز و فعالیتها برای ما و همه کمونیستها و فعالیت آتی لازم است.

رژیم و فعالیت هایش

مراسم اول ماه مه 86 در سنندج و سرکوب فعالین آن، محکومیت و مجازات بسیاری از کارگران سرشناس و مبارز تا آخرین روزهای ماه مه 87 ادامه داشت. محمود صالحی کماکان در زندان بود و بعنوان کارگر مبارزو جسوری که با یک کلیه و چندین درد و و مریضی دیگر به رژیم، نه گفته بود و به این خاطر مجازات میشد را همه میدانستند. اگر رژیم قدرت میداشت میخواست زندانی او را بیشتر کش دهد. اخراج و جریمه کارگران مبارز و محکومیت صدیق کریمی و زندانی کردن شیث امانی قبل از اول ماه مه، تلاش برای خاموش کردن هر نوع فعالیتی در همه شهرها بود که کارگران و بویژه فعالین کارگری مصمم به برپایی اول ماه مه بودند. بخشهایی از کارگران فکر میکردند میتوانند اجازه بگیرند و مدتی به این مشغول شدند، اجازه ندادند و برخلاف این همه جا رژیم برای وارد شدن و سرکوب کارگران آماده بود. در سقز،

اشنویه و کامیاران به اقداماتی پیشگیرانه دست زد. در عین حال مراسم های دولتی را هم برای کارگران تدارک میدید.

کارگران آماده می شدند

در چنین شرایطی کارگران مبارز در پی برپایی مراسم اول ماه مه بودند. ارتباطات کاری فعال شده بود و جنب و جوش در همه شهرها و در میان کارگران بویژه کارگران فعال و مراکز کارگری و فعالین چپ و کمونیست در جریان بود. برخلاف خیلی از روزهای دیگر اول ماه مه روز کارگران است و مختص به آنهاست. روزمه نیست. روزی ملی نیست و همه در آن دخیل و شریک نیستند و در این روز کارگران اعلام میکنند که بر علیه سرمایه داری متحد میشوند و خواستهای شان را طلب میکنند. این خوشایند طبقه سرمایه دار و جریانات ناسیونالیست و روشنفکران کرد اصلاح طلب و با صلاح لیبرال نیست. احزاب سیاسی ناسیونالیست هم کارگر "بیچاره" و "مستحق صدقه" برایشان مهم میشود که در رکاب آنها باشند. اعلامیه های احزاب ملی در ایران و کردستان از این دستند. بنا به شرایط سرکوب و پراکندگی، مراسم های اول ماه مه بیش از پیش به مراسم فعالین کارگری و کمونیست تبدیل شده است.

در اول ماه مه 87 مراسم های مختلفی بمناسبت اول ماه مه در شهرهای سنندج، سقز، مریوان، کامیاران، بوکان برگزار شد. در سنندج 3 مراسم از طرف کارگران برگزار شد. یکی در کوه و از طرف اتحادیه آزاد کارگران، یکی در جلو اداره تامین اجتماعی سنندج در خیابان سیروس، و یکی هم از طرف کارگران خبازدرسالن این اتحادیه که این

مورد را رژیمی ها قرق میکنند و از دست کارگران میتوانند در بیاورند. این مراسم ها فضای رعب و ترس و نا باوری را شکست و پرچم کارگران جهان متحد شوید یک بار دیگر و در وسط شهر سنندج از طرف کارگران به احتزاز در آمد. مراسم داخل شهر سنندج نمونه ای خوب از کاری متحدانه و هماهنگ از طرف کارگران و فعالین بود. در مریوان نیز همینطور شد و در کمتر از نیم ساعت و در وسط این شهر صد ها نفر شاهد مراسم اول ماه مه و شعارمبارزه بر علیه سرمایه داری بودند. در کامیاران مراسم با شکوهی برگزار شد و دانشجوی آزادیخواه و برابری طلب در سخنرانیش میگوید که چگونه باید این نظام را به نفع کارگران عوض کرد. در سقز ابتدا نیروهای امنیتی و اطلاعاتی صبح این روز و با حمله به دفتر اتحادیه خبازان شعارو پلاکارد های آماده شده کارگران را غارت میکنند، غروب این روز مراسم با شکوه اول ماه مه برگزار میشود. در بوکان ده ها نفر از کارگران و فعالین روز کارگر، مراسمشان را برپا کردند.

همه این مراسمها توانست سنت اول ماه مه در کردستان را همچنان حفظ کند.

تشتت در سازماندهی های قبل

از اول ماه

کارگران و تشکل ها و یا شبکه های ارتباطیشان، حال با هر گرایشی که داشتند، خیلی پراکنده بودند و متاسفانه بخش قابل توجهی تا روز اول ماه مه پراکنده ماندند. بعضی ها آگاهانه پراکنده ماندند و اینها همه در وضعیت بوجود آمده دخیل بود. وضعیت هم علیرغم هرادعایی اینگونه نیست که یک تشکل و یا یک جمع و یا یک گروه توانسته باشد آنچنان نفوذ و اعتباری کسب کند

و یا بخش مهمی از کارگران را نمایندگی کند که بخش زیادی را تحت پوشش قرار بدهد. اشتباهاتی همچون کشاندن کارگران برای اجازه گرفتن از مسئولین رژیم برای مراسم، و یا همین که در شهر سنندج 3 مراسم برگزار شد و یا اینکه به نسبت تعداد مراسم ها قطعنامه وجود داشت، میتواند این را توضیح دهد و اینها اگر دیده شوند و مشاهده شود لازم است مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد. حداقل برای ما اینها شاخص های مهمی هستند که با چشم باز این واقعیت ها را ببینیم و برای تغییر آنها صمیمانه و از زاویه منفعت طبقه کارگر تلاش کنیم.

از نظر بسیاری از کارگران و فعالین، کمیته برگزار کننده مراسم ها، سازماندهی مناسبی بود تا که کارگران و جمع ها و گروه های مختلف کارگری در هر جا که هستند و با هر گرایشی که دارند را زیر یک چتر جمع کند و با قدرت بسیار بیشتری مراسم ها را برگزار کنند. از لحاظ امنیتی هم سازماندهی مناسبی بوده است. تعدادی آگاهانه این را نپذیرفتند بهر دلیل، و از جمله به دلیل تند روی عده ای ایراد داشتند، در

حالی که کمیته برگزار کننده از جمله برای همین برقراری تعادل و تعیین سیاست درست باید تقویت میشد و حمایت میشد. چنین دلایلی و امتناع از اتخاذ چنین سازماندهی باید دلایل دیگری داشته باشد.

چندین سال در شهرهای کردستان و در سنندج بویژه، کمیته برگزار کننده اول ماه مه مرکز بزرگترین تصمیم و مناسبترین و بهترین سازماندهی ها برای مراسم بود. این کمیته ها که معمولاً از فعالین و نمایندگان کارگران بودند و یا در مواردی بسیاری از فعالین و تا 70 و 80، عضو داشت. در

→ سازماندهی نیرو، تقسیم کار، ایجاد واحد ها برای همه کارها و از جمله تبلیغ و بسیج در همه مراکز کارگری و محلات، تعیین محل مراسم، ارزیابی از موقعیت، مساله قطعنامه و... فعالانه بحث میکرد و تصمیم میگرفت. متأسفانه تحت عناوین مختلف این سازماندهی خوب و مناسب و تجربه شده برای بخشی حاشیه ای شد. در حالی که به نظر ما یکی از کارهای خوب این مراسم ها ایجاد کمیته های برگزار کننده مراسم اول ماه مه بود و در هر مورد که سازمان داده شد موثر بود. این کار و این سنت ها باید تقویت شود.

پنج قطعنامه در پنج مراسم

این هم نمونه دیگری از تشنتی است که همه میبینند. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم که بیش از ۵ قطعنامه هم وجود داشت. قطعنامه معمولاً از طرف فعالین و رهبران آکسیون و تجمع و تحصن آماده میشود و به اطلاع و تصویب جمع میرسد و بعضاً این جنبه مهم از مساله قطعنامه فراموش شده است و به همین دلیل بعضاً قطعنامه در خود هدف شده است. اگر بپذیریم که مراسم ها را میشد جمع و جور کرد و کمیته های برگزارکننده مراسم ها مناسبترین سازماندهی برای تدارک و پیشبرد مراسم و جشنهای اول ماه مه بودند، آنگاه باید پذیرفت که میشد بین این کمیته ها هماهنگی ایجاد کرد که بجای چندین قطعنامه که هرکدام هم اولویت ها و مشغله هایی را نمایندگی میکرد، [قطعنامه سراسری میداشتیم. آیا رسیدن به این ممکن بود؟ این پاسخ را باید هر فعال و دست اندرکار مبارزه کارگران و فعالین حکمتیست باید داشته باشند و بدون پاسخ به این نمیتوان شناخت درستی از دلایل تشنت و ماندن در چهارچوب های محدود و گروهی

خود حتی در اول ماه مه داد. اینگونه میتوانیم به شکستن دیوارهای پراکندگی و دلایل آنها، برویم.

تعدادی از کارگران دنبال اجازه گرفتن برای مراسم رفتن

این تحلیل که میتوان برای مراسم های اول ماه مه اجازه رسمی گرفت اشتباه بود. ما قبل از اول ماه مه به همه کارگران و فعالین کارگری گفتیم که اشتباه است اگر دنبال مجوز گرفتن بروید. نه به این دلیل که اجازه گرفتن برای مراسم همیشه غلط است، نه، به این دلیل ساده که حداقل دو سال بود روند بیش از پیش معکوس شده بود. دو سال بود که برای هر مراسمی محدودیت بیشتر میشد و فعالینی که دنبال مجوز برای مراسم بودند را سرمیدواندند، فعالین کارگری در مراسم روز کارگر در سندانج را سرکوب و دستگیر کردند، برای ۸ مارس هم همین مساله واضح بود و تعدادی از فعالین این عرصه خیلی سریع متوجه شدند که این تاکتیک اشتباه است. اینها همه بیان وضعیت دیگری بود. دوران اجازه برای مراسم ها خیلی وقت بود که بسرآمده بود آنهم به دودلیل، یکی سرکوب و خفقان که متناسب با شرایط استثمار گرانه و برده واری است که بر کارگران میرود و رژیم همانطور که میبینیم به این در خواست ها تن نمیدهد، و دو به این دلیل که کارگران از قدرت اتحاد و تشکل و بسیج قوی برخوردار نیستند. اگر در شرایط بسیار دشوار هم ما قادر به بسیج و سازماندهی قدرتمندی برای هر فعالیت کارگری و یا آزادیخواهانه ای باشیم، میتوانیم آنگاه خود را بر قانون و رژیم هم تحمل کنیم. در چنین شرایطی میتوان برای اجازه گرفتن هم مبارزه کرد و خوب هم هست که مبارزه کرد چرا که میتوان توده هرچه بیشتری از کارگران را در مراسم ها دور هم جمع کرد، تجمع

و تظاهراتی که اجازه دارد و مردم میدانند اجازه دار است، راحت تر میتوانند در آن شرکت کنند و رژیم هم از جمله به این دلیل اجازه نمیدهد. و اگر چنانچه کارگران قدرت سازماندهی و بسیج دارند ولی رژیم به آنها اجازه برگزاری مراسم و تجمعشان را نمیدهد آنگاه باید تصمیم گرفت که آیا میتوان این مراسم را برگزار کرد یا نه و در صورتیکه کارگران قدرت داشته باشند میتوانند این کار را بکنند و به رژیم تحمل کنند. در واقع بسیاری از چیزهایی که قانون و قانونی میشود بر همین منطق استوار است. قدرت داشته باشید قانون را پس میزنید و چیز دیگری قانون و یا سنت میشود.

به این دلایل تلاش کارگران متحد در اتحادیه آزاد کارگران برای اجازه اشتباه بود، این دوستان به جای تعیین سیاست برای اجازه گرفتن میبایست ب فکر چگونگی اتحاد با دیگر کارگران و فعالین در این شهر میبوندند و این سیاست درست ترو کارگری تری بود و قطعاً با برگزار کنندگان مراسم های دیگر در داخل شهر زودتر به توافق میرسیدند که در اول ماه مه در سندانج چکار باید میکردند. اکنون دیگر ثابت شد که برآستی دوران اجازه پایان گرفته است. اگر این را قبول کنیم بایستی پذیرفت که باید کاری کرد که کارگران و فعالین در هر عرصه ای بیش از هر چیز بر قدرت سازمان و اتحادشان متکی شوند و با قدرت سازماندهی میتوان هر خواستی را بر رژیم و اداراتش در هر شهر تحمل کرد

مناسبت ها و مراسم ها چه وضعیتی را در میان کارگران منعکس میکند؟

مراسم های اول ماه مه در شهرهای کردستان و در میان کارگران انعکاس مبارزه و نارضایتی آنها و رادیکالیسم شان

است. در این شرایط که زندگی مساوی با مرگ تدریجی است، آزادی وجود ندارد، تشکلی نمیتواند ایجاد شود، سازمان دادن همین مراسم های اول ماه مه در شهرهای کردستان کاری بسیار مهم و پر افتخار بود. در ضمن باید تأکید کرد که همین مراسم ها و ضعفهایی که داشت انعکاسی از وضعیت کارگران، درجه تشنت و پراکندگی فعالین و رهبرانشان است.

کارگران و ستم دیدگان در جامعه اکنون وبعد از روزجهانی کارگر هم با شرایط بسیار دشوار تری روبرو شده اند. گرانی کمر آنها و خانواده هایشان را بیشتر خم کرده است، سرمایه داران و دارندگان ثروت و امکانات خود در ایجاد این شرایط شریکند و در آن ذینفعند. در شرایط گرانی که اکنون هست بیکاری و عدم تأمین معیشت و عدم بیمه بیکاری زندگی را جهنمی تر کرده است. در چنین شرایطی سازندگان مراسم های روز کارگر، فعالین و کمونیستها وظیفه دارند تا اعتراضات اول ماه مه را به این شرایط وصل کنند. امروز جامعه منتظر راه حل ما در برابر این وضعیت است. راه حل سرمایه داران و رژیم فلاکت بیشتر برای کارگران است. این را ما تحمل نمیکنیم. باید راه حل دست یابی به امکانات موجود در همه انبار ها و مراکز انباشت مایحتاج مردم و پول برای خرید مایحتاج را یافت. آنها را مصادره کرد و تحت نظارت سازمان و کمیته های کارگران و مردم قرار داد تا برای همه تقسیم شود. راه حل مان را باید به همه اعلام کنیم و برای آن آماده شویم.

اول ماه مه ۸۷، همه تلاشها با همه ضعف و کمبود هایش و با همه فعالینش میتواند آگاهانه بعنوان پشتوانه بزرگ در مبارزه کارگران در گره گاه های مهم کار و زندگی شان باشد.

کومه و میزگرد شش حزب...

... با مخالفین سیاسی خودش نبوده است؟ مگر کومه له خود را مارکسیست و کمونیست نمی خواند؟ در این صورت چه ایرادی به این میزگرد او وارد است؟

ترجمه فارسی این نوشته در ضمن به من امکان میدهد که یکی دو جمله دیگر را نیز در تکمیل جوابم به آقای کاوان سلامی بنویسم. نوشته ای که ملاحظه میکنید جواب کوتاه من است به سوالات آقای سلامی. دوست محترم آقای کاوان سلامی، من ایرادی به کار شما نمی بینم. اگر توجه کرده باشید در پاراگراف اول جمله دوم نوشته ام این را ذکر کرده ام. لازم به گفتن نیست که شما و روزنامه "ناسو" حق دارید با هر حزب و سازمان سیاسی ای مصاحبه کنید، یا میزگرد ترتیب داده و یا پانل برگزار کنید.

شما عکسی از این شش حزب و سازمان کردستانی را با هم گرفته اید و آن را در روزنامه "ناسو" چاپ کرده اید. واضح است شما آن را یک جور می بینید، فرد دیگری یک جور و من نیز آن را جور دیگری می بینم. من میگویم این عکس با آنچه که خود شما نیز در مورد کومه له میگوئید که کومه له خود را مارکسیست و کمونیست میدانند، تناقض دارد. شکی نیست مارکسیسم همیشه به پیشواز جدل سیاسی با مخالفین سیاسی خودش رفته است، اما این میزگرد میزگرد یک سازمان مارکسیستی با پنج حزب و سازمان کردستانی نیست. بودن رهبری کومه له امروز در آن در دنیای واقعی هم چنین خصلتی به این میزگرد نمیدهد، نه از لحاظ مضمون و محتوی و نه از لحاظ شکل آن. این میزگرد، میزگرد شش حزب و سازمان کردستانی از یک سنت و گرایش اجتماعی

را تداعی میکند. نام میزگرد هم، بر این صحنه میگذارد. چندین سال قبل رهبری کومه له امروز با 10 الی 12 حزب و سازمان کردستانی اطلاعیه ای را امضاء کرد. همان موقع ما گفتیم که این کار آنان با ادعای چپ بودن کومه له نمیخواند و با آن در تناقض است. دلیل شرکت رهبری کومه له امروز در چنین جمعی دال بر مارکسیست بودن آن نیست آنچنانکه بقول شما ادعای آن را دارند، بلکه ناشی از وجه مشترک زیاد آن با احزاب و سازمانهای کردستانی است. رهبری کومه له امروز در صورت مساله با حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان شریک است، اما در شرطها با آنان اختلاف دارد.

دیگر احزاب و سازمانهای کردستانی چوب عدم حمله دولت آمریکا به ایران را میخورند که در بحراند، کومه له امروز هم که بقول نماینده کومه له در این میزگرد وضع شان از بقیه بهتر است، آن را از این موقعیت اینها می بیند. به این دلیل اختلاف خود با آنان را روی طرفداری از آمریکا متمرکز کرده است، نه آنچه که به مسائل و مشکلات و سرنوشت و آینده کارگر و زحمتکش در کردستان مربوط میشود. اگر این یکی بود میدانستند که چنین ظاهر شدنی در کنار احزاب و سازمانهای کردستانی خاک به چشم کارگر و زحمتکش در کردستان می پاشد و خود را از تداعی شدن با آنان کنار میکشیدند. اما چون اختلاف را در اولی می بینند خیال میکنند که اگر احزاب و سازمانهای کردستانی گفتند که از این به بعد با "نیروی خودشان"، نه با نیروی آمریکا، جمهوری اسلامی را سرنگون میکنند، کار تمام است و راه برای ایجاد "جبهه کردستانی" با آنان برای رهبری کومه له امروز هموار میشود!

اگر دقت کرده باشید هم کومه له امروز، هم سازمان زحمتکشان، هر دو جناح آن، هم جمع هشتاد و پنج نفره و هم "اقلیت" درون کومه له به خودشان و به همدیگر میگویند "طیف کومه له"! هیچ اختلاف اساسی ای هم با هم ندارند. به اطلاعیه اخیر نمایندگی کومه له در خارج کشور در مورد رویدادهای اخیر اردوگاه سازمان زحمتکشان عبدالله مهدی نگاه کنید که چطور رهبری کومه له امروز میخواهد از اظهار نظر در مورد آن اجتناب کند! دنیای بیرون از خودشان هم آنها را یکی میداند. میگویند "کردایه تی" میکنند و خود را چپ میدانند یا چپ هستند و "کردایه تی" میکنند. احزاب و سازمانهای کردستانی هم توهمی در مورد آنها ندارند و آنها را چپ جنبش خودشان به حساب میاورند. آیا اذعان کردن به این ایراد دارد؟ برای مدت چند سالی "جبهه کردستانی" شد میدان کشمکش و مسابقه رهبری سازمان زحمتکشان و رهبری کومه له امروز که سرانجام کدام یکی پیش دستی میکند و صندلی دوم زیر حزب دمکرات را در "جنبش کردستان" به خود اختصاص خواهد داد! عبدالله مهدی و دیگر اعضای رهبری سازمان زحمتکشان تلاش زیادی کردند اما چیزی جز توهم به آن از آب در نیامد. به نظر میرسد که رهبری امروز کومه له حال که می بیند سازمان زحمتکشان دچار انشعاب شده و وضع خوبی ندارد، حزب دمکرات هم دچار انشعاب شده است، فرصت را غنیمت یافته است تا شاید این صندلی را از آن خود کند. "جبهه کردستانی" هم بر چه اساسی؟ براساس فدرالیسم! قرار است رهبری کومه له امروز فدرالیسم اینها را قبول کند، در عوض آنها نیز یکی دو شرط از شرط های او را قبول کنند و همه

چیز به "خیر و خوشی" تمام شود! خطاب من به رهبری کومه له امروز و حتی دیگرانی که خود را "طیف کومه له" می نامند، کسانی که بیشتر آنان از دوستان قدیمی من بودند و من برای آنها احترام قائلم، این است که این تناقض را تا کی با خودتان یدک میکنید؟ من میگویم به این تناقض خاتمه دهید، همانطوری که واقعا هستید و پراتیک میکنید، حرف بزنید. میگویم با خودشان، با اعضاء و طرفدارانشان، با دنیای بیرون از خودشان رو راست باشند. جای خود را در منظومه ای که 17 سال است در آن میچرخند، رصد کنند.

من و امثال من باید و مجبوریم که از تاریخ و از سابقه کومه له آن دوره و حزب کمونیست ایران دفاع کنیم. کنگره دوم و .. و کنگره ششم کومه له را نمیتوانند در پای همسویی و هم سنتی خود با احزاب و سازمانهای کردستانی قربانی کنند. با بودن ما نمیتواند با این تاریخ و این سابقه فرش قرمز زیر پای احزاب و جریانات کردستانی پهن کنند. با موجودیتی که اکنون هستند هر کار میخواهند بکنند. شکی نیست که انسانهای زیادی هستند که در میان کارگر و زحمتکش در کردستان ایران فعالیت میکنند، خودشان را کمونیست میدانند و خود را با رهبری کومه له امروز تداعی میکنند. واقعیت این است که نه اینها، بلکه این رهبری هر حزب و سازمان سیاسی ای است که تکلیف سیاست و اهداف آن را روشن میکند. آنچه بالاتر گفتیم واقعیت رهبری کومه له امروز است. رهبری کومه له امروز در منظومه احزاب و جریانات کردستانی میگردد، همسویی وجهه مشترک عمیقی با آن دارد و خود را در میان آنها پیدا میکند.

امنیت و حفاظت از خود در مقابل رژیم

فصل ۱. امنیت در چت و ای میل

برگرفته از سایت حزب حکمتیست

را درست مثل بسته های پستی روی شبکه جهانی اینترنت می اندازد. اما برای اینکه این بسته ها در راه و در میان میلیون ها میلیون بسته دیگر گم نشوند و بدست کامپیوتر طرف مقابل شما برسند حاوی آدرس و مشخصات لازم است. روی همه ی این بسته ها از جمله اطلاعات زیر هست:

آدرس اینترنتی (یا آی پی) فرستنده و گیرنده، شماره بسته قبلی، شماره بسته بعدی و مقداری اطلاعات دیگر

در درون بسته هم بخشی از چت، فایل، یا صحبتی که میکنید وجود دارد. البته این بسته ها بیش از آنکه شبیه پاکت باشند شبیه کارت پستال هستند یعنی محتوی آنها برای کامپیوتر هائی که از آن عبور میکنند قابل رویت است. دیده اید که گاهی ارتباط شما قطع میشود و یا بقول معروف دی سی میشود. این معمولا وقتی است که یکی از این بسته ها در راه گم و یا معطل میشود و در نتیجه بسته بعدی که کامپیوتر شما میفرستد و احتمالا از مسیر دیگری در راه است، راهش را گم میکند.

اما روشن است که پلیس برای

میکند. در نتیجه مخفی بودن یا نبودن اطاق هیچ تغییری در امکان کنترل آن به وجود نمی آورد. تاکید میکنیم که تنها سایر استفاده کنندگان معمولی این برنامه ها شما را نمیبینند و نه کسانی که به گره ها یا ایستگاه های اینترنتی دسترسی دارند. این دسته به کل ترافیک اینترنت در حال عبور از سرور هایشان دسترسی دارند

سوال ۴ - در حالیکه ممکن است ده ها یا صد ها هزار نفر در آن واحد در حال چت و یا بحث کردن باشند چگونه پلیس میتواند همه را کنترل کرد؟ آیا انجام این در امکانات جمهوری اسلامی هست؟ این کار چگونه انجام میشود؟

پاسخ: بله. قطعاً این کار ممکن است. اگر بدانیم که سیستم چگونه کار میکند متوجه میشویم که انجام این کار تنها از جمهوری اسلامی بلکه حتی از یک هکر قابل ساخته است. در نتیجه داشتن یک تصویر تقریبی و کلی از چگونگی رد و بدل شدن اطلاعات روی اینترنت مفید است.

کامپیوتر شما تمام اطلاعاتی که شما با دیگران رد و بدل میکنید را تکه تکه، به تدریج و به صورت بسته های کوچک الکترونیکی در می آورد و آنها

است، محمولات پست الکترونیکی و اینترنتی هم توسط پلیس قابل کنترل است. تمام ارتباطات اینترنتی از دروازه های تحت کنترل پلیس عبور میکنند.

سوال ۲ - آیا بطور اخص چت دو نفری و یا جمعی روی یاهو مسنجر، گوگل تاک و پال تاک قابل کنترل است؟

پاسخ: این چت ها اتفاقاً جزو قابل کنترل ترین ارتباطات اینترنتی هستند. برنامه های مختلف چت، مانند یاهو، گوگل، پال تاک، و غیره (شاید برای تسهیل کنترل) اطلاعات را بدون هیچ رمز کردنی مبادله میکنند. در نتیجه چت شما به صورت کشف (یعنی غیر رمز) از دروازه های اینترنتی تحت کنترل پلیس عبور میکنند و بالقوه قابل کنترل هستند.

سوال ۳ - آیا اطاق های مخفی در یاهو یا پالتاک و یا برنامه های مشابه قابل کنترل هستند؟

پاسخ: مخفی بودن اطاق به معنی آن است که سایر استفاده کنندگان معمولی آن را نمیبینند. این اطاق ها کماکان از همان کانال های معمولی و به شیوه غیر رمز از دروازه های کنترل شده اینترنت عبور

سوال ۱ - آیا چت (chat) روی اینترنت قابل کنترل است؟ چه کسی میتواند این چت ها را کنترل کند؟

پاسخ: بله، همه چت ها اعم از نوشتاری text و یا صوتی و تصویری voice، video، قابل کنترل هستند. گره ها یا node های اینترنت دروازه هائی هستند که شما از طریق آنها به شبکه جهانی اینترنت وصل میشوید. این گره ها در واقع کامپیوترهائی هستند که در اختیار شرکت تامین کننده اینترنت شما و یا موسسه ای که اتصال اینترنت به ماهواره را تامین میکنند (یعنی شرکت مخابرات) است. تمام ارتباطات اینترنتی مرتبط با ایران در نهایت از یکی از این دروازه ها (کامپیوترها یا سرورهای) متعلق به شرکت مخابرات جمهوری اسلامی عبور میکنند. این دروازه ها علاوه بر شرکت های تامین کننده اتصالات اینترنتی و شرکت های مخابراتی توسط دولت قابل کنترل هستند. لذا دولت ها و پلیس کاملاً به ترافیک اینترنتی دسترسی دارند.

محموله اینترنتی درست مثل پست که از ایستگاه های پستی عبور میکند، تحت کنترل دولت است. همانطور که محمولات پستی توسط دولت قابل کنترل



کنترل این بسته های اینترنتی نمیتواند به تعداد آنها آدم بگذارد، همه اینها را کنترل کند و یا اول آنها را کنترل کند و

بعد بفرستد. نه این تعداد آدم را دارد و نه میشود این بسته ها را معطل کرد. در نتیجه پلیس نه میتواند همه ارتباطات را با هم کنترل کند و نه میتواند مثل پست بسته را نگاه دارد و بعد از کنترل آنها را بفرستد. سرعت کار اینترنت بر عکس پست معمولی در کنترل پلیس نیست. اما راه های دیگری برای کنترل وجود دارند که تقریباً همه پلیس ها و دستگاه های اطلاعاتی دنیا از آنها استفاده میکنند. بخصوص دولت های ایران و چین در این زمینه به عنوان دولت های "پیشرفته" شناخته میشوند. کار به این صورت انجام میگیرد که:

الف - بجای خواندن همه چت ها و یا ای میل ها برنامه های فیلتر بسیار ساده ای وجود دارد که درست مثل سگ های پلیس که مثلا در فرودگاه ها مردم و بسته ها را بو میکشند، بسته های اینترنتی که از هر کامپیوتر عبور میکند را بو میکشند.

اتفاقا این برنامه ها، به تبع عنوان همان سگ ها، برنامه sniffer یا بوکش نامیده میشوند. این برنامه ها، که روی هر سرور server اینترنت قابل نصب است،

میتواند محتویات هر بسته اینترنتی را برای وجود اسامی، کلمات یا عبارات خاص و "بو دار" بو بکشد. در صورتی که کلمات خاص مورد استفاده در چت های سیاسی یا ممنوعه و یا اسامی اینترنتی شناخته شده و یا آی پی های خاصی در آنها وجود داشته باشد، از آن چت یا ای میل در حال عبور و بدون معطلی کپی برمیدارد. در آخر روز قاعدتا برنامه فیلتر صد ها و شاید هزاران چت که کلمات مشکوک در آنها هست را ضبط کرده است. این چت ها یا سر فرصت از فیلتر های بیشتری عبور داده میشوند و یا مشکوک ترین آنها در اختیار مامورین اطلاعات قرار میگیرند تا آنها را دستبندی کنند و یا دور بریزند.

با این روش پلیس با فاصله چند روز، بسته به تعداد افرادی که به این کار اختصاص میدهد و یا کارائی فیلترها، به چت یا ای میل رد و بدل شده دسترسی پیدا میکند. و میتواند از آنها استفاده کند.

ب - علاوه بر سیستم فیلتر و بو کش، پلیس همیشه رد و بدل اطلاعات با آدرس های ای میل علنی یا کشف شده توسط پلیس، اسامی مستعار اینترنتی (آی دی ها)، آی پی ها کامپیوترها و شبکه های اینترنتی متعلق به جریانات سیاسی و یا مورد استفاده آنها را بطور دائم مونیتر میکند و کل ارتباطات میان آنها را کپی میکند.

اینجا ممکن است مونیتر زنده

باشد و یا نباشد، یعنی اطلاعات با فاصله، گرچه با فاصله کمتر از بند بالاتر، در اختیار پلیس قرار گیرد..

ج - روش های پیچیده و پیشرفته تری هم وجود دارد که اینجا به آنها نمیپردازیم.

در نتیجه باید فرض را بر این گذاشت که پلیس، گرچه غالبا به صورت غیر زنده یعنی با فاصله زمانی چند روزه، به چت ها و ای میل های رد و بدل شده "بودار" و مشکوک دسترسی پیدا میکند.

سوال ۵ - آیا صحبت شفاهی، با صدا voice قابل کنترل است؟ اگر آری چگونه میشود فهمید چه کسانی با هم در حال بحث هستند؟

پاسخ: قطعا قابل کنترل است. پلیس به همان شیوه توضیح داده شده در سوال بالا میتواند مکالمات را هم کنترل کند. در مورد مکالمات هم فیلتر اینترنتی پلیس میتواند به دو شکل کار کند:

الف - با فیلتر کردن بر اساس اسامی یا آی دی ها حاضر در مکالمه

ب - با در اختیار داشتن نمونه کوتاهی از صدای آدم های مشکوک یا تحت نظر و یا فعالین شناخته شده. اینجا برنامه بوکش وجود صدا های خاصی را بو میکشد و درست مانند چت های کتبی مکالمات رد و بدل شده مشکوک را کپی میکند و بعدا این فایل های

صوتی در اختیار مامورین پلیس قرار میگیرد تا گوش کنند و آنها را غربال نمایند.

سوال ۶ - آیا این کنترل شامل ای میل ها و چت های رد و بدل شده میان دو کامپیوتر در خارج ایران هم میشود؟ یعنی پلیس جمهوری اسلامی میتواند این ای میل ها و یا چت ها را کنترل کند؟

پاسخ: بطور روتین نه. یعنی پلیس جمهوری اسلامی میتواند تنها اطلاعاتی را کنترل کند که از طریق کامپیوترها و شبکه مخابراتی جمهوری اسلامی رد و بدل میشوند. اما اینجا هنوز دو فرصت برای پلیس جمهوری اسلامی هست:

الف: وقتی که دستگاه مخابرات جمهوری اسلامی بخشی از شبکه جهانی اینترنتی است، بخشی از مبادلات اینترنتی جهانی هم از آن عبور میکند، مثل ترانزیت فرودگاه. مثلا وقتی شما از سوئد ای میلی را برای کشور دیگری میفرستید، بویژه اگر آن کشور دور باشد، این ای میل میتواند از طریق مسیری عبور کند که بخشی از آن در ایران است. نکته این است که مسیر اینترنت مثل مسیر پرواز هواپیما نیست که کوتاه ترین مسیر جغرافیائی را طی کند.

بسیاری از اوقات اتفاقا، از نظر فاصله، مسیر طولانی تر طی میشود. در نتیجه یک چت میان سوئد و مثلا آمریکا کاملا ممکن است از ایران یا هر





برای رد و بدل اطلاعات و
چت در مورد مسائلی که
نمیخواهید پلیس از آنها مطلع
شود استفاده نکنید. بیاد داشته
باشید که ارسال ای میل از
آدرس های شناخته شده، ارسال
ای میل به آدرس های شناخته
شده، و چت آی دی های شناخته
شده صد در صد توسط پلیس
کنترل میشوند.

ب - برنامه های ویژه ای برای
رمز کردن چت وجود دارد. هم
برای رمز کردن چت کتبی و
هم برای رمز کردن مکالمات
شفاهی.

مثلا برای رمز کردن یاهو
مسنجر، گوگل تاک میتوانید از
برنامه Simp استفاده کنید.
برنامه سکایپ را هم میشود
رمز کرد که بعدا معرفی
خواهیم کرد اما بیاد داشته

لطفا برای مبارزه با کنترل

پلیسی و اطلاعاتی دانسته ها،

تجربیات و نظراتان را برای ما

بفرستید.

میلی دیگری وصل میشوید،
ارتباط شما با یاهو یا جی میل
از طریق شبکه مخابراتی
جمهوری اسلامی وصل میشود
و اطلاعات رد و بدل شده قابل
کنترل هستند.

سوال ۸ - راه جلوگیری از
کنترل چت توسط پلیس
چیست؟

پاسخ: کلا استراتژی باید این
باشد که چت توسط سگ های
بو کش اینترنتی پلیس (برنامه
های فیلتر) قابل تشخیص نباشد
و یا اگر هم چت اتفاقی کپی شد
برای پلیس قابل خواندن نباشد.
برای این کار باید لاقل همیشه
چند تاکتیک را همزمان بکار
برد:

الف - مطلقا از ای دی های
شناخته شده ای میلی و یا چت

کشور دیگری مثل چین و یا
سوریه و غیره عبور کند.

ب - جمهوری اسلامی میتواند
از طریق درست کردن شرکت
های اینترنتی در کشور های
دیگر و یا با خریدن کسانی که

در مراکز مهم اینترنتی در
اروپا یا آمریکا کار میکنند به
سیستم های آنها دسترسی پیدا
کند.

سوال ۷ - آیا ای میل و ای میل
های وب سابتی مثل gmail یا
yahoo mail هم اینترنت
قابل کنترل هستند؟

پاسخ: همه اینها درست مثل
چت ها قابل کنترل هستند. بیاد
داشته باشید که وقتی به یاهو یا
جی میل و یا هر برنامه ای

چرا فلاکت؟

کارگران! مردم!

فقر و فلاکت و گرسنگی موجبات تباهی فیزیکی و روحی ۷۰ میلیون زن و مرد و کودک در ایران را فراهم آورده است. اما چرا فلاکت؟! ایران سومالی و اتیوپی و افغانستان نیست. مملکتی سیل و زلزله و طاعون زده نیست. در مملکتی که پول نفتش سرسام آور سر ریز کرده است. در مملکتی که صنایع سنگین و زیر بنا و جاده ها و خط آهن دارد. در مملکتی که محصولات کشاورزی و میوه و دامداری و ماهیگیری و شیلاتش در جهان مشهور است، در مملکتی که نیروی جوان و کارآمدش ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل میدهد... چرا اکثریت مردمش به این فقر و فلاکت دردناک دچار گشته است؟ چرا رفاه در این مملکت سرشار از نفت و دلار و معادن و صنایع و منابع و نعمات، یک خواب و خیال شده است؟

جواب در یک کلام این است که سرمایه داران بزرگ و دولتمردان انگل و مفتخور و دزد و خیل کسانی که در این آشفته بازار جیبشان را پر کرده و میلیارد شده اند و همه اینها که کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند، اما تمام درآمدها و منابع و ثروت جامعه را در چنگ و کنترل خود دارند.

نگاه کنید! در این مملکت تا دلت بخواهد پول و نان و نعمات و امکانات رفاهی و مسکن هست در مقابل هم میلیون میلیون انسان زن و مرد و کودک در فقر و فلاکت دست و پا میزنند و مرگ تدریجی فیزیکی و روحی را تجربه میکنند. باید به سرچشمه رفاه دست یافت. ابزار و امکانات و نعمات دست اقلیتی مفتخور است. باید بر آنها شورید و همه را از آنها باز پس گرفت.

مردم!

اموال، مواد خوراکی و سوختی و دارو بهداشتی محتکر شده در انبارهای دولتی و شرکتهای خصوصی را از طریق کمیته های مردمی و نمایندگان مصادره و بطور عادلانه و برابر بین مردم تنگدست و بیکار و فقر زده تقسیم کنید. با دخالت توده ای خود بر دهان حریص بازار سرمایه داران و قیمت مایحتاج حیاتی مردم، افسار بزنید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

در برابر گرانی چه باید کرد؟

حکمتیست ها میگویند:

در وضعیت کنونی، همه میدانند انبارهای آذوقه کجاست. انبار گندم کجاست، سیلوا کجا هستند. نماینده گان و رهبران مردم در این انجمن ها و شوراهای میتوانند مردم را برای مصادره این انبارها سازمان دهی کنند. منظور غارت نیست که هر کسی که قوی تر باشد سهم بیشتری را از آن خود کند و کودکان و افراد سالخورده و مریض سهم کمتری یا هیچ چیزی عایدشان نشود. بلکه مصادره یعنی اینکه اموال، همگانی است و نماینده گان و رهبرانی از میان مردم اموال را بین مردم و متناسب با نیازشان تقسیم می کنند. مصادره یک عمل سازمان یافته و یک ابتکار هدفمند کنترل شده است. سرمایه داری مایحتاج اولیه مردم را احتکار میکند تا قیمت کالاها را بالا نگه دارد. همانطور که گفتیم احتکار را باید با ابتکار عمل توده ای و با سازمان یافتن از پایین، شکست داد. گرانی و بدبختی مردم مسئله احمدی نژاد و دولتش نیست. اینها نماینده سرمایه داری هستند. بخش های مختلف دولت و نماینده گان ناسیونالیستها و فاشیستها را نه گرانی به خیابان می کشد، نه فقر، نه بی حقوقی زن، نه مرگ کودکان از مالاریا، نه تعطیلی کارخانه، نه بیکاری و نه به فلاکت کشیده شدن بخش وسیعی از جامعه. بلکه اینها را تغییر نام خلیج فارس و فلات قاره به خیابان ها می کشد که مسئله اکثریت جامعه نیست. مسئله ی اکثریت جامعه و طبقه کارگر و زحمتکشانشان جامعه استثمار است.

برگرفته از مصاحبه با کورش مدرسی در نشریه پرتو شماره ۲۰

به کمپین دفاع از شیث امانی بپیوندید!

شیث امانی کارگرمعترض، نماینده کارگران کارخانه نساجی کردستان، عضو کمیته اعتصاب و تحصن جمعی کارگران نساجی در سالهای ۷۲-۷۳. از بنیان گذاران اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار. عضو کمیته برگزار کننده اول مه در سال ۸۶ و سخنگوی کارگران در مراسم اول مه سنندج. توسط دولت جمهوری اسلامی زندانی شده است. ما دستگیری و زندانی کردن شیث امانی و دیگر فعالین اجتماعی و کارگری را که به دفاع از معیشت و حقوق اساسی خود برخاسته اند و مبارزه می کنند محکوم میکنیم و همه شما را به حمایت از کمپین دفاع از شیث امانی تا آزادی ایشان فرا می خوانیم.

<http://shisamani.blogfa.com>

از صفحه ۴

کومه و میزگرد شش حزب و سازمان کردستانی

... در حرف اما با این انسانها چیز دیگری میگوید و ادعای دیگری میکند. برای روشن شدن گفته های من هر کس حتی فردی هم بخواهد میتواند دفتر و قلمی بیاورد، نه در مورد رویدادهای ۱۷ سال قبل، بلکه از همین میزگرد شروع کند و پراتیک رهبری کومه له امروز را در آن یادداشت کرده و با حرفها و ادعاهای آن مقایسه کند، بعد از مدتی واقعیت وجودی این رهبری برایش مسجل خواهد شد.

کمپین عفو بین الملل برای آزادی فرهاد حاجی میرزائی

عفو بین الملل کمپینی را برای آزادی فرهاد حاج میرزائی عضو کانون دفاع از حقوق کودکان و فعال اجتماعی که در کمپین برای ژیلدا دختر ۱۳ ساله مریوانی که حکم سنگسار گرفته بود نقش فعالی داشت، اعلام نموده است.

فرهاد حاج میرزائی بدلیل فعالیت تنگاتنگی که با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب داشت، در جریان دستگیریهای گسترده دانشجویان در آذر ماه سال گذشته دستگیر شده و همچنان در وضعیت بلاتکلیف در زندان به سر میبرد. فرهاد حاج میرزائی در زندان مورد شکنجه های زیاد قرار گرفته است.

در این نامه هم عفو بین الملل گزارش داده است که فرهاد حاج میرزائی در زندان مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته است. ما از همه دانشجویان و مردم، فعالین حقوق بشر در ایران و خارج از ایران میخواهیم برای آزادی فرهاد حاج میرزائی بکوشند.

http://www.iran-telegraf.com/s.azad/2008/05/post_261.html

تلویزیون پرتو

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ به وقت تهران

تکرار روز بعد از ساعت ۳ تا ۴ بعد از ظهر

برنامه کردی پرتو یک شنبه شبها ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰

ماهواره هات برد فرکانس ۱۱۴۷۰ کانال ۶

آزادی برابری حکومت کارگری